

## معمای معاهده حق مؤلف سازمان جهانی مالکیت فکری مصوب ۱۹۹۶

علیرضا محمدزاده وادقانی<sup>۱</sup>

### چکیده

معاهده حق مؤلف سازمان جهانی مالکیت فکری مصوب ۱۹۹۶ مکمل معاهده برن است و با هدف رفع نارسایی‌های معاهده برن وضع شده است. این معاهده در مأموریت خود عمدتاً موفق و در برخی موارد در رسالت خود ناکام مانده است. عمده موفقیت‌های این معاهده شامل پذیرش برنامه‌های رایانه‌ای و پایگاه داده‌ها به عنوان اثر ادبی هنری، تصریح حق اجاره به نفع مؤلفان آثار، حق به اطلاع عموم رسانیدن و در خدمت عموم قراردادن اثر به شیوه‌ای که هر کس بتواند به طور انفرادی در محل و زمان دلخواه دسترسی به اثر را پیدا کند، حق توزیع، حق تکثیر در محیط مجازی و پیش‌بینی تعهدات مربوط به مدیریت اطلاعات و موازین فنی - حقوقی لازم در تأمین اجرای حقوق مؤلفان است. برعکس، ایراد معاهده در عدم ارائه تعریف مشخص از حق به اطلاع عموم رسانیدن و حق توزیع و نیز عدم تعیین تکلیف در مورد کشور خاستگاه آثار مشترک به طور کلی و آثار بی‌نام منتشره در فضای مجازی است.

### واژگان کلیدی

معاهده حق مؤلف، معاهده برن، سازمان جهانی مالکیت فکری، حق توزیع، حق به اطلاع عموم رسانیدن، کشور خاستگاه، اثر بی‌نام.

۱. دانشیار، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

## مقدمه

اجرای معاهده برن در بین کشورهای عضو در سال‌های پس از آخرین اصلاح ۱۹۷۱ پاریس در مواردی به دلیل تفاسیر گوناگون و در مواردی به جهت سکوت با اشکالات متعددی مواجه می‌باشد. نارسایی‌ها عمدتاً به علت تحولات بی‌سابقه فناوری اطلاعات و جهش بی‌همتا در دستاوردها در فضای مجازی و در نتیجه ناهماهنگی معاهده با اشکال جدید بهره‌برداری می‌باشد. آثار در فضای مجازی بیش از پیش عرضه و براحتهی مورد استفاده کاربران قرار می‌گیرد. در این فضا داده‌ها جمع‌آوری و به طور گسترده در اختیار جامعه قرار می‌گیرد. (قاجار قیونلو، ۱۳۹۱ ش.) در این وضعیت مؤلفان در نبود قواعد صریح حمایتی صرفاً ناظر نقض حقوق خود می‌باشند. همچنین شیوه‌های نو بهره‌برداری از آثار همچون اجاره تجاری آثار متداول می‌گردد که در پاره‌ای کشورها با تفسیری خاص از برخی مواد معاهده برن جزئی از حقوق مؤلف تلقی می‌گردد و در برخی دیگر خیر.

سازمان جهانی مالکیت فکری در سال ۱۹۹۶ میلادی با هدف رفع ایرادات وارد بر معاهده با ترک روش سنتی که عبارت است از اصلاح معاهده، اقدام به وضع موافقت‌نامه جدیدی می‌نماید که معروفیت دارد به «معاهده حق مؤلف سازمان جهانی مالکیت فکری»<sup>۱</sup> سال ۱۹۹۶. مقدمه این معاهده تأکید دارد بر نیاز به تفسیر دقیق قوانین بین‌المللی موجود و در عین حال ایجاد قواعدی نو به منظور احتساب پیشرفت فنی در اطلاع‌رسانی و تأثیر آن بر خلق و استفاده از آثار ادبی هنری و همچنین ایجاد توازن، از یکسو بین حقوق مؤلفان که عنصر ضروری جهت تشویق آنان به خلق آثار جدید است و از سوی دیگر حقوق جامعه به ویژه در زمینه آموزش، پژوهش و اطلاعات. (محمدزاده وادقانی و همکاران، ۱۳۹۳ ش.)

بنابراین این معاهده مکمل معاهده برن می‌باشد. اعضای این معاهده باید مواد ۱ الی ۲۱ و پیوست معاهده برن را رعایت کنند (بند ۴ ماده ۱). همچنین رعایت مواد ۲ الی ۶ معاهده برن برای کلیه اعضا الزامی است (ماده ۳). شرط عضویت در این معاهده الحاق به معاهده برن نیست، اما عضویت در سازمان جهانی مالکیت فکری لازم است (ماده ۱۷). برخلاف معاهده برن که فقط کشورها می‌توانند به عضویت آن درآیند، عضویت سازمان‌های بین‌دولتی به این معاهده نیز مجاز است (بند ۲ ماده ۱۷). در پاسخ به این پرسش که آیا این معاهده در تحقق اهداف خود موفق بوده است یا خیر باید قائل به تفکیک شد. قطعاً این معاهده دارای دستاوردهای مهم است (گفتار اول)، هرچند سکوت و سهل‌انگاری در برخی موارد موجب سردرگمی و تشتت آرا در بین صاحب‌نظران شده است (گفتار دوم) که به ترتیب مورد بحث و نظر قرار می‌گیرد.

### الف - آورده‌های معاهده حق مؤلف

یکی از دستاوردهای مهم معاهده حق مؤلف سازمان جهانی مالکیت فکری تعیین تکلیف برنامه‌های رایانه‌ای و پایگاه داده‌ها به عنوان اثر ادبی هنری است. ماده ۲ معاهده برن با تصریح آثار ادبی، علمی و هنری، بدون ارائه تعریفی از این آثار فهرستی گسترده از نمونه‌های این گروه آثار شمارش می‌کند که در بین آنها برنامه‌های کامپیوتری و پایگاه داده‌ها گنجانده نشده است. با نبود تعریف قانونی از آثار ادبی هنری و علمی در معاهده و عدم تصریح این دو نوع اثر در نمونه‌های مذکور در ماده ۲ معاهده، مدت‌ها موضوع اختلاف صاحب‌نظران این است که این دو مشمول عنوان اثر ادبی، علمی هنری قرار می‌گیرند یا خیر.

اکثریت مؤلفان با تفسیر گسترده ماده ۲ و با این استدلال که قانونگذار نمونه‌هایی از آثار را که در زمان وضع معاهده وجود داشته‌اند از باب تمثیل بیان کرده است. بنابراین موارد مذکور در ماده ۲ جنبه حصری ندارد، پس آثاری که در زمان وضع معاهده بلحاظ وضعیت فنی حاکم مطرح نبوده‌اند و امروز مطرح و یا فردا مطرح خواهند شد را باید منطقیاً مشمول گروه آثار ادبی، علمی و هنری دانسته و بدین ترتیب آن‌ها را مشمول حمایت قرار داد، البته باید توجه داشت که ماده ۲ معاهده از جهت گروه آثار، یعنی آثار ادبی، علمی و هنری جنبه حصری دارد، اما در چارچوب این گروه آثار نمونه‌های مقرر از باب مثال آمده است. (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۰ ش.)

معاهده حق مؤلف با تأیید نظر اکثریت مؤلفان طی مواد ۴ و ۵، به ترتیب برنامه‌های رایانه‌ای و پایگاه داده‌ها را به عنوان اثر ادبی مورد حمایت قرار می‌دهد و بدین ترتیب به یکی از اختلافات تفسیری معاهده برن پایان می‌بخشد.

### ۱- پایگاه داده

برابر ماده ۵ معاهده: «جمع‌آوری داده‌ها یا سایر عناصر به هر شکلی که باشند به واسطه انتخاب یا ترتیب و آرایش موضوعات که آفرینش فکری را تشکیل می‌دهند، مورد حمایت‌اند. این حمایت به خود داده‌ها یا عناصر گسترش پیدا نمی‌کند و به حق مؤلف موجود در داده‌ها یا عناصری که جمع‌آوری شده است لطمه‌ای وارد نمی‌سازد.» ماده ۱ دستورالعمل ۱۱ مارس ۱۹۹۶ اتحادیه اروپا همانند بند ۲ ماده ۳-۱۱۱ L قانون مالکیت فکری فرانسه پایگاه داده را همانند ماده ۵ معاهده حق مؤلف این‌گونه تعریف می‌کند: «پایگاه داده، یعنی مجموعه‌ای از آثار، داده‌ها یا سایر عناصر مستقل که به نحوی منظم یا روشمند و سازمان‌یافته

با وسایل الکترونیک یا وسایل دیگر به طور انفرادی قابلیت دسترسی دارند.» (محمدزاده وادقانی و همکاران، ۱۳۹۰ ش.)

برابر بند ۱ همان ماده، پایگاه داده به شرط وجود اصالت دارای قابلیت حمایت با حق مؤلف است. این بند اضافه می‌کند، پایگاه داده با توجه به نحوه انتخاب و آرایش عناصر یک اثر فکری را تشکیل می‌دهد. حمایت پایگاه داده با توسل به حق مؤلف توسط دستورالعمل یادشده و همچنین بند ۲ ماده ۱۰ موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

در حقوق فرانسه پایگاه داده در صورت فقدان اصالت می‌تواند مشمول حقوق خاصی گردد که به نفع تولیدکننده توسط ماده ۱-۳۴۱ L قانون مالکیت فکری فرانسه مقرر گردیده است (تولیدکننده پایگاه داده). در این حالت پایگاه داده باید متشکل از داده‌های مجزا از یکدیگر باشند و به هر شیوه یا نوعی که ارائه می‌شوند، موجب بازیافت عناصر تشکیل‌دهنده پایگاه شود. قطعاً این نوع می‌تواند الکترونیکی و یا به عنوان مثال به شکل فهرست الفبایی باشد. (برنو و همکاران، ۲۰۱۵ م.)

در حقوق فرانسه تولیدکننده پایگاه داده در خانواده حقوق مجاور به مفهوم خاص خود قرار نگرفته است، اما می‌توان آن را در این خانواده به مفهوم گسترده آن قرار داد. حقوق اعطایی به تولیدکننده به لحاظ حمایت از سرمایه‌گذاری وی است. او به اشخاص حقوق مجاور تشبیه شده است. این حقوق بدون توجه به محتوای پایگاه اعطا می‌شود، بنابراین داده‌ها می‌توانند تحت حمایت نباشند و آزادانه توسط عموم قابلیت استفاده را داشته باشند. از همین دیدگاه است که این قواعد متفاوت می‌شود با قواعد سنتی حاکم بر حق مؤلف که اساساً بر محوریت آثار فکری متمرکز شده است.

در ایالات متحده و ژاپن در حمایت از تولیدکنندگان پایگاه داده نوعی مالکیت خاص را انتخاب نکرده‌اند، بلکه متوسل به نظام رقابت نا مشروع شده‌اند. (مارینو، ۲۰۱۳ م.) در حقوق داخلی با توجه به بند ۱ ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸ که سخن از هر نوشته علمی و فنی و ادبی و هنری شده است، پایگاه داده به شرط داشتن اصالت مشمول قانون یادشده می‌گردد. علاوه بر این، چنانچه داده‌ها خود از انواع آثار علمی، فنی، ادبی و هنری باشند، با استناد به بند ۱۲ همان ماده که مربوط است به هر گونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر باشد، وفق این بند نیز مشمول قانون ۱۳۴۸ قرار می‌گیرد.

## ۲- نرم‌افزارهای رایانه‌ای

برابر ماده ۴ معاهده، برنامه‌های رایانه‌ای به عنوان اثر ادبی در مفهوم ماده ۲ کنوانسیون برن مورد حمایت هستند. حمایت مقرر برای برنامه‌های رایانه‌ای به هر نحو و شکلی که بیان شوند، اعمال می‌شوند.

دستورالعمل ۲۳ آوریل ۲۰۰۹ اتحادیه اروپا حاکم بر برنامه‌های رایانه‌ای نیز نرم‌افزارها را به مفهوم معاهده برن اثر ادبی تلقی می‌کند (ماده ۱). اعمال این دستورالعمل در حقوق فرانسه توسط قانون ۱۰ مه ۱۹۹۴ صورت گرفته که حاکی از نظامی خاص و در بسیاری از موارد مخصص نظام عام حق مؤلف است. در این قانون واژه نرم‌افزار به کار رفته، اما بدون این که تعریفی از آن شده باشد. برابر دستورالعمل مورخ ۱۲ اکتبر ۱۹۸۴ مدیریت کل مالیات‌ها نرم‌افزار «مجموعه‌ای از تعلیمات، برنامه‌ها، شیوه‌ها، قواعد و مدارک احتمالاً همراه آن‌ها راجع به عملکرد وسایل پردازش خبر را دربر می‌گیرد.» واژه نرم‌افزار شامل برنامه‌های رایانه‌ای است و علاوه بر آن مدارک مقدماتی تهیه برنامه و نحوه استفاده از آن را شامل می‌شود. تفکیک این دو خالی از فایده عملی است.

اثبات اصالت نه تنها از طریق عناصر ساخت، بلکه در اجزای تشکیل‌دهنده نرم‌افزار مثل خطوط برنامه‌ای و کدها نیز امکان‌پذیر است. در عوض، عملکرد یک نرم‌افزار و زبان برنامه‌ای به عنوان ایده و فکر تلقی شده که موجب اعطای حق مؤلف نمی‌شود. همین‌طور ترسیمات داخل یک نرم‌افزار نیز به موجب دستورالعمل ۲۰۰۹ موجب اعطای حق مؤلف نیست، هرچند ممکن است به عنوان یک اثر به مفهوم حق مؤلف تلقی شود، ولی نه به عنوان نرم‌افزار. (برنو و همکاران، ۲۰۱۵ م.)

در حقوق فرانسه به مثابه سایر کشورهای اروپایی پس از تردید فراوان در مشمول حق مؤلف یا نظام خاص یا ثبت اختراع قراردادن نرم‌افزار، نهایتاً با طرد نظام ثبت اختراع و نظام خاص، نرم‌افزار به عنوان اثر ادبی در کنار سایر آثار ادبی هنری قرار می‌گیرد. در این نظام پدیدآورنده نرم‌افزار از حقوق معنوی و مالی برخوردار است. با وجود این، حقوق معنوی پدیدآورنده تضعیف شده است، زیرا محروم از حق پشیمانی و باز ستانی است (ماده ۷-۱۲۱ L قانون مالکیت فکری فرانسه<sup>۲</sup>). همچنین او نمی‌تواند مانع اصلاحات منتقل‌الیه به روی نرم‌افزار شود که واجد ایراد خدشه به اقبال و شهرت پدیدآورنده نیست، در خصوص حق انتساب اثر و حق افشا با سکوت قانون نظام عام حق مؤلف حاکم است.

برابر ماده ۶-۱۲۲ L قانون مالکیت فکری فرانسه، پدیدآورنده نرم‌افزار علاوه بر برخورداری از حق تکثیر از حق ممانعت از ترجمه، اقتباس، تنظیم یا هر نوع اصلاح نرم‌افزار و همچنین به طور رایگان یا در ازای مبلغ در چرخه بازار قراردادن از جمله اجاره حاملی که به روی آن نرم‌افزار نصب شده است، برخوردار است. با وجود این، حق توزیع اثر موضوع فرسایش حق در قلمرو اروپا قرار می‌گیرد.

قانون در مورد حق عرضه پدیدآورنده نرم‌افزار ساکت است، اما با توجه به این که عرضه از طریق شبکه مجازی ممکن و متداول است، دکترین آن را برای پدیدآورنده قائل است. (برنو و همکاران، ۲۰۱۵ م.)

در مورد استثنائات وارده بر حقوق مالی، ماده ۱-۶-۱۲۲ L برای شخص مجاز به استفاده نرم‌افزار حق تجزیه آن را قائل است و در عوض، استثنای نسخه شخصی در مورد نرم‌افزار غیر قابل اعمال است. نرم‌افزار فقط می‌تواند موضوع نسخه پشتیبان قرار گیرد، آن هم به شرط این که برای تضمین استفاده از نرم‌افزار لازم باشد. سرانجام، باید افزود که حق بهره‌برداری می‌تواند شامل رهن نرم‌افزار شود که با ثبت در دفتر ملی خاص نرم‌افزارها در مؤسسه ملی مالکیت فکری صورت می‌گیرد (ماده ۸-۱۳۲ L قانون مالکیت فکری فرانسه). (کرون، ۲۰۱۵ م.)

در حقوق ملی قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ حاکم می‌باشد. برابر ماده ۲ این قانون امکان حمایت از نرم‌افزارها در چارچوب قانون ثبت اختراعات مصوب ۱۳۸۶ نیز است. به عبارتی دیگر روش انتخابی حمایت برخلاف روش حاکم در اتحادیه اروپا که فاقد این امکان است، می‌باشد. این قانون همانند قانون ۱۹۹۴ فرانسه در چارچوب حقوق مؤلف، اما با تخصیص قواعد کلی وضع شده است. در ماده ۷ این قانون تهیه نسخه پشتیبان و نسخه شخصی مجاز شمرده شده است، در حالی که برابر ماده ۶-۱۲۲ L قانون مالکیت فکری فرانسه، اولی تحت شرایطی مجاز شمرده شده و دومی ممنوع است.

### ۳- حق اجاره

از دیگر نکات قوت معاهده تصریح به حق انحصاری اجاره برای مؤلفان در ماده ۷ است. برابر بند ۱ این ماده مؤلفان برنامه‌های رایانه‌ای، آثار سینمایی و آثار وارد شده در فنوگرام، آن گونه که در حقوق ملی کشورهای متعاهد مشخص شده است



از حق انحصاری اجاره تجاری نسخه اصل آثار یا کپی آثارشان به عموم برخوردار می‌باشند. همچنین برابر ماده ۹ و ۱۳ معاهده اجراها و حامل‌های صوتی سازمان جهانی مالکیت فکری، هنرمندان مجری و تولیدکنندگان حامل‌های صوتی نیز از این حق برخوردارند. این حق به همراه حق عاریه در ابتدا در دستورالعمل اروپایی ۱۹ نوامبر ۱۹۹۲، سپس با نسخ این دستورالعمل در دستورالعمل ۱۲ دسامبر ۲۰۰۶ مقرر گردید.

همچنین بند ۴ ماده ۱۱ و ماده ۱۴ موافقت‌نامه تجاری حقوق مالکیت فکری ۱۹۹۴ نیز آن را دست کم برای دارندگان حقوق نرم‌افزارها، آثار سینمایی و تولید کنندگان حامل‌های صوتی<sup>۳</sup> تصریح کرده است. در حقوق فرانسه با این استدلال که چون حق تعیین مقصد اثر برای مؤلفان شناخته شده است، حق اجاره را نیز دربر گرفته و به طور خودکار مورد حمایت است. (گوتیه، ۱۹۹۱ م.) این چنین است که در این کشور از وضع قانون جهت اجرای دستورالعمل اروپایی خودداری شد. شعبه اول دیوان عالی فرانسه در رای معروف خود در ۲۷ آوریل ۲۰۰۴ حق اجاره را با استناد به حق تعیین مقصد اثر تعریف کرد. «حق اجاره یکی از امتیازات حق بهره‌برداری است، این حق ناشی از اختیار شناخته‌شده برای مؤلف و دارندگان حقوق مؤلف است، اینان هستند که تکثیر اثر را فقط با اهداف کاملاً مشخص تجویز می‌کنند.» (کرون، ۲۰۱۵ م.)

در دستورالعمل اروپایی ۲۰۰۶ اجاره اشیا این‌گونه تعریف شده است: «شیء جهت استفاده برای مدت محدود و در ازای امتیاز مالی یا تجاری مستقیم یا غیر مستقیم در اختیار دیگری گذاشتن» (بخش الف بند ۱ ماده ۲). دستورالعمل در ماده بعدی (ماده ۳) اضافه می‌کند، برای مؤلفان و دارندگان حقوق مجاور «حق انحصاری تجویز یا ممنوعیت اجاره» را باید قائل گردید. همچنین مقرر می‌دارد که

این حق با فروش یا هر نوع عمل پخش نسخه‌های اصل و کپی آثار مورد حمایت حق مؤلف و سایر موضوعات، مشمول فرسایش حق قرار نمی‌گیرد (بند ۲ ماده ۱). مشاهده می‌شود که حق اجاره یکی از امتیازات مالی است که به دارنده آن این مزیت را می‌دهد که اجاره نسخه‌ها را ممنوع یا تجویز کند. مالک حامل می‌تواند اقدام به اجاره‌دادن حامل کند، اما برای این کار باید برخوردار از اجازه دارندگان حقوق باشد. بنابراین این نوع حق از مالکیت فکری موجب کنترل استفاده حامل مادی است که در آن آثار یا موضوعات حقوق مجاور ضبط شده‌اند.

حق کنترل اجاره برای مؤلفان نرم‌افزارها در ماده ۱-۲۱۵ L قانون مالکیت فکری فرانسه و برای تولیدکنندگان حامل‌های صوتی در ماده ۱-۲۱۳ L و برای تولیدکنندگان حامل‌های صوتی تصویری طی ماده ۱-۲۱۵ L و برای نهادهای پخش صوتی تصویری در ماده ۱-۲۱۶ L قانون مالکیت فکری فرانسه به طور صریح عنوان شده است، اما قانون در مورد هنرمندان مجری و مؤلفان سایر آثار غیر از نرم‌افزارها ساکت است. بدون تردید این استنباط از این مواد که مطابق آن مؤلفان محروم از این حق‌اند، غیر قابل قبول است، زیرا که اینان نیز وفق نظریه حق تعیین مقصد اثر، برخوردار از این حق می‌باشند.

برخی پژوهشگران فرانسوی منتقد ناهماهنگی موجود در حقوق فرانسه‌اند، زیرا قانونگذار در مورد مؤلفان به طور تشریحی تصریح به حقوق مالی آنان کرده و در مورد برخی ناگزیر باید با استناد به اصل تعیین مقصد اثر قائل به برخی حقوق برای آنان شد. در مورد هنرمندان مجری ماده ۳-۲۱۲ L تثبیت اجراء، تکثیر و اطلاع‌رسانی به عموم اجراء را منوط به اجازه هنرمند مجری کرده است، اما در مورد حق اجاره برخلاف وضعیت سایر دارندگان حقوق مجاور سکوت اختیار کرده است. این تبعیض در مورد هنرمندان - مجری غیر قابل توجیه است و به نظر

برخی، هنرمندان - مجری از بابت حق اجاره در مقایسه با مؤلفان بیشتر متضرراند، چراکه اعمال اصل تعیین مقصد اثر در رابطه با هنرمندان - مجری مورد تردید قرار گرفته است. (برنو و همکاران، ۲۰۱۵ م.)

در حقوق داخلی با استناد به ماده ۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان ۱۳۴۸ که مقرر داشته حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حقوق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست و نیز با استناد به ماده ۵ همان قانون که بیان داشته، پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند حقوق مادی خود را در کلیه موارد از جمله موارد زیر به غیر واگذار کند، همچنین به موجب ماده یک قانون نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ که از حق نشر، عرضه، اجرا و حق بهره‌برداری مادی و معنوی نرم‌افزارهای رایانه‌ای برای مؤلفان سخن می‌گوید و نیز با توجه به این که این قوانین در چارچوب نظام شخص محور، همچون قانون مالکیت فکری فرانسه، تنظیم شده و بنابراین اصل تعیین مقصد اثر حاکم می‌باشد، لذا بی‌تردید حق اجاره اثر نیز از جمله حقوق مؤلف و مؤلفان نرم‌افزارهای رایانه‌ای است.

برعکس، از آنجا که هیچ یک از قوانین حاکم هنرمند - مجری را مورد حمایت قرار نداده‌اند، بنابراین قانون حاکم از این جهت قابل ایراد و هنرمند - مجری دارای مأمّن قانونی نیست. این اظهار که در ماده ۱ قانون حمایت از مولفین و مصنفین و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ با صراحت از هنرمند نام برده است و بنابراین هنرمند - مجری مشمول قانون ۱۳۴۸ است، (صفایی و همکاران، ۱۳۸۳ ش.) قابل ایراد است، زیرا ذکر هنرمند در این ماده ناظر به هنرمند خلاق همچون نقاش و مجسمه‌ساز است و نه هنرمند - مجری. در نتیجه باید گفت در مورد هنرمند - مجری و

حقوق وی خلأ قانونی وجود داشته و اظهار نظر در مورد آن پیش از وضع قانون خالی از وجه است.

#### ۴- حق تکثیر، حق به اطلاع عموم رسانیدن و حق توزیع اثر

یکی دیگر از آورده‌های مهم معاهده حق مؤلف در مورد حق تکثیر است که همچون معاهده دوقلوی خود مقرر می‌دارد این حق به طور کامل در محیط مجازی نیز جاری است. همچنین طرح حق به اطلاع عموم رسانیدن و در اختیار عموم قراردادن که برخی این اقدام را در جهت مطرح‌ساختن نوعی حق بهره‌برداری واحد از آثار به فال نیک گرفته‌اند، اما به لحاظ فقدان تعریف دقیق، خود در عمل موجب اختلاف نظر شده است (ماده ۸). (صادقی، ۱۳۸۶ ش.).

معاهده برخلاف موافقت‌نامه تجاری حقوق مالکیت فکری تفکیک مشخصی از حقوق مؤلف و حقوق مجاور به عمل می‌آورد، به ویژه در رابطه با حقوق معنوی. حقوق مالی شامل حق تکثیر و حق عرضه (حق به اطلاع‌رساندن) به حق توزیع نیز آراسته شده است (ماده ۶). ارتباط حق تازه وارد با حق تکثیر موجب بحث فراوان شده است که بیشتر هم در رابطه با موضوع فرسایش حق می‌باشد. معاهده همچون موافقت‌نامه نهایتاً تنظیم و تعیین آن را به نظام‌های ملی واگذار کرده است (بند ۲ ماده ۶ معاهده). قابل ذکر است که حق تکثیر از آثار و عواقب حق تعیین مقصد اثر است که موضوع فرسایش حق قرار نمی‌گیرد، اما حق توزیع، موضوع فرسایش حق است. (لوکا، ۲۰۰۱ م.).

معاهده با دغدغه حمایت حقوق مؤلفان در فضای مجازی، کشورهای عضو را ملزم به حمایت حقوقی و ضمانت اجرای حقوقی مؤثر در تأمین اقدامات حفاظتی و مدیریت اطلاعات کرده است (مواد ۱۱-۱۳). اقدامات حفاظتی مجموعه اقدامات فنی است که برای محافظت از اثر و اطلاعات توسط دارنده حقوق اتخاذ می‌شود.

حفاظت‌های فنی مثل رمزنگاری، سیستم مدیریت کپی‌های بعدی و... (قاجار قیانلو، ۱۳۹۱ ش.) اقدامات فنی وقتی کارساز واقع می‌شوند که اقدامات خنثی‌کننده ممنوع و به طور مؤثر از انجام آن جلوگیری شود که دولت‌های عضو ملزم به تعیین ضمانت اجرا در این موارد شده‌اند.

معاهده با مقرر داشتن موازین رسیدگی و فنی، هر چند مختصرتر از موافقت‌نامه تجاری حقوق مالکیت فکری، اما در همین حد هم موجب شده که کشورهای عضو در حد ممکن ایراد لطمه به حقوق مؤلفان را پیشگیری کرده و دارندگان حق مجهز به ابزار تأمین حقوق خود شوند، زیرا از یکسو باعث ارتقای امنیت نظامی شده که حامی آن در واکنش نسبت به نقض حقوق مؤلفان است و از سوی دیگر امنیت اطلاعاتی که آن‌ها در رابطه با حقوقشان در خدمت عموم قرار می‌دهند، مستحکم‌تر گردد. (ویوان، ۲۰۰۹ م.)

معاهده در موارد متعدد آورده‌های موافقت‌نامه تجاری را به عاریه می‌گیرد و در برخی موارد فراتر از آن رفته و دارای ابتکار است. به عنوان مثال، قائل شدن حق به اطلاع عموم‌رسانیدن (ماده ۸) که در این مورد اولاً معاهده نسبت به معاهده دوقلوی خود بهتر تنظیم شده، زیرا اطلاع‌رسانی به عموم به هر وسیله خواه با ابزار بی‌سیم یا باسیم مطرح شده، در حالی که در معاهده اجراها پخش رادیویی استثنا شده است (بند ۲ ماده ۲ معاهده اجراها)؛ ثانیاً وجه تمایز بارز آن با موافقت‌نامه تجاری حقوق مالکیت فکری است. همچنین حق توزیع (ماده ۶) یا حق معنوی (ماده ۱ بند ۴) و یا همانطوری که در مورد نرم‌افزارها مشاهده شد، طی ماده ۷ حق اجاره نسبت به نرم‌افزار، فیلم‌ها و فنوگرام را برای مؤلفان مقرر می‌دارد که نسبت به ماده ۱۱ و بند ۴ ماده ۱۴ موافقت‌نامه وضعیت دارندگان حقوق را بهبود بخشیده است. قابل ذکر است که برابر بند ۱ ماده ۴ معاهده مؤلفان از حقوق معنوی

مقرر در ماده ۶ مکرر معاهده برن برخوردار می‌باشند، در حالی که در موافقت‌نامه تجاری حقوق مالکیت فکری حقوق معنوی مؤلفان به فراموشی سپرده شده است. از ابتکارات معاهده، طرح حق به اطلاع عموم‌رسانیدن برای مؤلفان است، درست است که این تغییر صورت به حقوق و قواعد خاص مربوط به برخی از امتیازات در حقوق‌های ملی که خاص خود آن‌هاست، لطمه‌ای وارد نمی‌کند و به نظر می‌رسد که کشورهای عضو دارای آزادی کامل در لحاظ نمودن آن با توجه به نظام حقوقی خود می‌باشند. حق به اطلاع عموم‌رسانیدن فقط به حمایت معاهده‌ای مربوط می‌شود، صرف نظر از عنوانی که در نظام‌های ملی در عمل و اجرا به آن می‌دهند. تعریف کلی داده‌شده از حق به اطلاع عموم‌رسانیدن در ماده ۸ که به مؤلفان اجازه می‌دهد «از حق انحصاری تجویز هر نوع اطلاع‌رسانی عمومی آثارشان باسیم یا بی‌سیم» برخوردار باشند، پیشرفت چندانی برای آنان از جهت تعریف محسوب نمی‌شود.

معاهده برای مؤلفان اجازه «در اختیار عموم قراردادن آثارشان به طوری که هر یک به طور انفرادی بتوانند در محل و زمان دلخواه خود دسترسی به آن را پیدا کنند، یعنی پخش دیجیتالی بر اساس تقاضا را قائل می‌شود که از این جهت ابهام و عدم صراحت موجود در معاهده برن و موافقت‌نامه تجاری حقوق مالکیت فکری برطرف می‌شود. (لوکا، ۲۰۰۱ م.) در این معاهده همچون معاهده دوقلو مفهوم تکثیر و قواعد آن کاملاً در محیط مجازی و در زمینه دیجیتال<sup>۴</sup> جاری است. قاعده‌ای که به موجب ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ در حقوق داخلی نیز حاکم شده است.

پرواضح است که یکی از آورده‌های مهم معاهده حق مؤلف پاسخ مثبت به این پرسش است که نشر الکترونیکی اثر و استفاده از اثر در فضای دیجیتال در زمره

حقوق انحصاری مؤلف محسوب می‌شود یا خیر. بدین ترتیب رابطه بین مؤلفان و استفاده‌کنندگان از آثار در فضای مجازی با وسایل گوناگون با طرح قواعد صریح در معاهده تنظیم شده است. با وجود این، همواره این پرسش مطرح است که آیا عرضه الکترونیکی اثر به مفهوم بند ۳ ماده ۳ معاهده برن انتشار محسوب می‌شود یا خیر، مطلبی که موضوع بحث گفتار بعدی است.

### ب - نکات گنگ معاهده حق مؤلف

معاهده برن با تشکیل اتحادیه فرضی (ماده ۱) و مقرر داشتن اصل رفتار ملی (یا اصل تشبیه اعضای اتحادیه به تبعه داخلی) و استقلال حمایت حقوقی از حقوق حاکم در کشور وابسته به اثر و مؤلف (ماده ۵)، حمایت از مؤلفان خارجی را در سطح برابر با مؤلفان ملی هدف قرار داده است. تحقق این هدف و به عبارتی دیگر اجرای اصول یادشده وابسته به دو معیار تابعیت مؤلف (معیار شخصی) و نخستین انتشار (معیار واقعی) شده است (ماده ۵). این دو معیار ضوابط دوگانه تعیین کشور خاستگاه اثر است، مفهومی که نه تنها در اجرای اصول یادشده جنبه محوریت دارد، بلکه در تعیین محتوای حمایت مقرر برای مؤلفان خارجی از جمله تعیین مدت حمایت کارساز است.

هرچند کشور خاستگاه طی ماده ۵ معاهده برن تعریف و تبیین شده است، اما پاسخ برخی پرسش‌ها در این مورد، مورد مناقشه صاحب‌نظران می‌باشد. با وضع معاهدات بعدی به ویژه معاهده حق مؤلف انتظار می‌رفت که توقعی کاملاً موجه بود، این مناقشات پایان یابد. متأسفانه این معاهده نیز در مورد تعیین کشور خاستگاه آثار انتشاری در فضای مجازی سکوت اختیار کرده، عاملی که موجب تشتت آرای دادگاه و اندیشه‌های حقوقی شده است.

پس از بررسی و مرور مختصر کشور خاستگاه در معاهده برن (ماده ۵) (الف)، به طرح و نقد نظریات ارائه‌شده در مورد کشور خاستگاه این نوع آثار پرداخته می‌شود (ب). با این امید که از این رهگذر برای تعیین کشور خاستگاه آثار مشترک و آثاری که فقط در فضای مجازی پخش می‌شوند، راهکاری ارائه گردد.

### ۱- کشور خاستگاه

برابر بند ۱ ماده ۵ معاهده برن، «پدیدآورندگان از حمایت مقرر برای آثاری که مطابق معاهده مشمول حمایت می‌شوند، در کشورهای اتحادیه غیر از کشور خاستگاه اثر، از حقوقی که قوانین مربوط در حال حاضر برای اتباع داخلی قائل می‌شوند. همچنین از حقوق خاص که این معاهده مقرر می‌دارد، بهره‌مند می‌شوند.» بدین ترتیب مؤلفان یکی از کشورهای عضو در سایر کشورهای عضو همچون مؤلف ملی برخوردار از حقوق ملی و نیز حداقل حقوق معاهده‌ای می‌باشند. برابر این مقرر مؤلفان کشورهای عضو به مؤلف داخلی تشبیه شده‌اند و از همان حقوقی که مؤلف داخلی برخوردار است، مؤلفان سایر کشورهای عضو نیز برخوردارند. به عنوان مثال چنانچه مؤلف آلمانی در کشور فرانسه اثر خود را منتشر کند و در یونان حقوق او نقض شود، در این صورت مؤلف آلمانی همچون مؤلف یونانی که اثرش در یونان منتشر شده، باید تلقی گردد، البته اعتبار این اصل مطلق نیست و به تنهایی اجرای آن موجب برابری مؤلفان خارجی با مؤلف ملی نمی‌شود، زیرا قلمرو و اعتبار حمایت از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. به عنوان مثال، پاره‌ای از کشورها حق تعقیب را برای مؤلفان آثار هنرهای تجسمی مقرر داشته و پاره‌ای دیگر خیر. مؤلفان کشورهای دسته اخیر نمی‌توانند در کشورهای دسته اول مدعی این حق شوند (بند ۲ ماده ۱۴ سوم).



طبق بند ۲ ماده ۵، «برخورداری و اجرای این حقوق تابع تشریفات خاصی نیست، این برخورداری کاملاً مستقل از حمایت قائل شده توسط کشورهای خاستگاه اثر است، در نتیجه جدا از شرایط مقرر در معاهده، دامنه حمایت و نیز وسایل تضمین حفظ حقوق پدیدآورنده منحصراً مطابق قوانین کشوری که در آن درخواست حمایت شده تعیین می‌گردد.» برابر این مقرر اصل حمایت بدون تشریفات حاکم است. به عبارتی دیگر تحقق حقوق و اجرای آن منوط به هیچ تشریفات نیست، البته لازم است که موارد شکلی مثل توسل به فرم‌های قرارداد نمونه جهت بهره‌برداری از حقوق، با تشریفات خلط نگردد. (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۳ ش).

لازم است تأکید شود اصل حمایت بدون تشریفات منحصراً به حداقل حقوق معاهده‌ای مربوط است، و الا حمایت در کشور خاستگاه اثر تابع حاکمیت مطلق قوانین داخلی است. بنابراین کشورها مختارند در قوانین داخلی خود هر نوع شرط و یا تشریفات که به نظر آنان مناسب است، تعبیه و اجرا کنند، چراکه موضوع کاملاً جنبه حقوق داخلی دارد. در نتیجه مؤلف اتحادیه‌ای در خارج از کشور خاستگاه و در سایر کشورهای اتحادیه می‌تواند متقاضی حمایت باشد. این حمایت باید عاری از تشریفات بوده و حتی بدون الزام مؤلف به توجیه اجرای وجود تشریفات احتمالی در کشور خاستگاه اثر است. (راهنمای معاهده برن، ۱۹۷۸ م).

به تصریح بند ۲ ماده ۵ گستره حمایت و وسایل تضمین حقوق صرفاً در صلاحیت قوانین کشور محل درخواست حمایت است. بنابراین محتوای حقوق، مدت برخورداری و شیوه پرداخت حق تألیف در صلاحیت قانون کشور محل در خواست حمایت است، البته طرفین قرارداد بهره‌برداری از حقوق مؤلف همچون دیگر قراردادها دارای این اختیار هستند که قرارداد را تابع قانون دیگری قرار

دهند. همچنین معمول و متداول است که مؤلف قربانی نقض حقوق به دادگاه محل نقض مراجعه کند، اما ممکن است دادگاه کشور دیگری را غیر از دادگاه کشور محل نقض جهت طرح دعوی برتری دهد، به عنوان مثال، به دلیل این که ناقض دارای اموال غیر منقول در آن کشور است که با ضبط آن بهتر و آسان تر از مؤلف رفع خسارت می‌شود. در این حالات دادگاه محل درخواست حمایت با اعمال مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی و تعیین قانون حاکم اقدام به حل و فصل دعوی خواهد نمود. (راهنمای معاهده برن، ۱۹۷۸ م.)

مطابق با بند ۳ ماده ۵، «حمایت در کشور خاستگاه توسط قوانین داخلی تعیین می‌شود. با وجود این هنگامی که پدیدآورنده تبعه کشور خاستگاه اثر تحت حمایت این معاهده نیست، از همان حقوقی که پدیدآورندگان اتباع آن کشور دارا هستند، برخوردار خواهد بود.» این مقرر به تأکید بر بند ۱ همین ماده حمایت در کشور خاستگاه اثر را در انحصار قوانین داخلی قرار می‌دهد، بدین ترتیب حمایت در آن خارج از قلمرو ضوابط معاهده‌ای صورت می‌گیرد. منظور از کشور خاستگاه در صدر بند ۳ با توجه به مفهوم مخالف حالت عنوان شده در ادامه این بند، کشور متبوع مؤلف است که در آن اثر نیز منتشر شده است.

ممکن است مؤلف اثر خود را در کشور متبوع خود منتشر نکند و در یک کشور دیگر عضو منتشر کند، در این صورت برابر بند ۴ همین ماده کشور محل انتشار کشور خاستگاه اثر خواهد بود. بنابراین برابر قاعده کلی در کشور خاستگاه، اثر مشمول قوانین داخلی خواهد بود و در کشور متبوع مؤلف مشمول اصل رفتار ملی. فرض کنیم با وجود حاکمیت قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ کشور ما به عضویت معاهده برن درآید، در این صورت حقوق مالی مقرر در قانون یادشده برای مؤلفان با لحاظ ماده ۲۲ آن قانون، یعنی

در صورت انتشار برای اولین مرتبه در ایران، قابل اعطا است. بنابراین مؤلفان اتحادیه‌ای همچون مؤلفان ایرانی در صورتی برخوردار از حقوق مالی وفق قانون ۱۳۴۸ می‌باشند که نشر اثر آنان برای نخستین بار در ایران صورت گرفته باشد. در غیر این صورت هیچ یک وفق حقوق داخلی مشمول حمایت نخواهند بود، البته فقط مؤلف اتحادیه‌ای در مقایسه با مؤلف ایرانی برخوردار از حقوق معاهده‌ای خواهد شد. برداشت دیگر از این مقرر که مؤلفان خارجی علی‌رغم نخستین انتشار در خارج از ایران با اعمال اصل رفتار ملی مشمول حقوق داخلی گشته بدون این که ماده ۲۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان ۱۳۴۸ در مورد آنان اجرا گردد، به نظر فاقد محمل قانونی است.<sup>۵</sup>

تالی فاسد تفسیر سازمان جهانی مالکیت فکری این است که مؤلفان خارجی در مقایسه با مؤلفان داخلی در موقعیت بهتری قرار می‌گیرند، در حالی که هدف از وضع ماده ۵ قرارداد مؤلفان اتحادیه‌ای در سطح مؤلفان داخلی است و نه بیشتر. وانگهی در صورت صحت این برداشت باید از آن به عنوان استثنایی بر اصل رفتار ملی یاد شود که جای آن در نوشته‌های صاحب‌نظران خالی است. برابر با بند ۴ ماده ۵، «کشورهای زیر کشور خاستگاه محسوب می‌شوند:

- برای آثاری که نخستین بار در یکی از کشورهای عضو اتحادیه منتشر می‌شود، کشور اخیر. با وجود این، اگر آثار در چندین کشور عضو که دارای مدت حمایت متفاوت هستند، به طور هم‌زمان منتشر شوند کشوری که مدت حمایت کم‌تری قائل است.

- در صورتی که اثر به طور هم‌زمان در یک کشور خارج از اتحادیه و یک کشور عضو اتحادیه منتشر شود، کشور اخیر.

- در خصوص آثار منتشر نشده و آثاری که برای نخستین بار در یک کشور غیر عضو، منتشر می‌شوند، بدون انتشار هم‌زمان اثر در یک کشور عضو، کشور عضو اتحادیه که پدیدآورنده، تبعه آن است. با وجود این، اگر مرکز اصلی یا محل سکونت معمولی تولیدکننده اثر سینمایی در یکی از کشورهای عضو باشد، کشور خاستگاه کشور اخیر خواهد بود؛ اگر اثر معماری مطرح باشد که در یک کشور عضو بنا شده باشد، یا اثر هنر گرافیکی و تجسمی باشد که جزئی از ساختمان واقع در کشور عضو است، کشور اخیر کشور خاستگاه خواهد بود.»

کشور خاستگاه کلید رمز اجرای اصول بنیادینی است که پیش از این از آن یاد شد، به علاوه این مفهوم در تعیین مدت حمایت دارای نقش تعیین‌کننده است. میزان اهمیت کشور خاستگاه برای آثار قابل مقایسه با اهمیت ملیت برای اشخاص است. همان‌گونه که شخص بدون تابعیت به دلیل در عسرت فراوان قرارگرفتن، پذیرفته نیست و هم و غم در حقوق بین‌الملل خصوصی بر تعیین پیوندی منطقی بین شخص و کشوری از کشورها است تا بدین سان شخص بهره‌مند از این رابطه سیاسی حقوقی گردد. اثر نیز با تعیین کشور خاستگاه آن، مؤلف را برخوردار از حقوق معاهده‌ای می‌نماید. فقدان کشور خاستگاه فاجعه‌آمیز و تعدد آن زیان‌بار است، زیرا هر اندازه تعداد کشور خاستگاه بیشتر باشد، حمایت معاهده‌ای کم‌تر است، در حالی که هدف معاهده برن بر حمایت معاهده‌ای هرچه بیشتر آثار است. در همین راستا بند ۴ ماده ۵ با تعیین سلسله مراتب مقرر داشته، کشور عضو محل نخستین انتشار اثر کشور خاستگاه اثر است. چنانچه انتشار به طور هم‌زمان در چندین کشور عضو صورت گیرد، کشوری که کم‌ترین مدت حمایت را قائل است، کشور خاستگاه محسوب می‌شود. امروزه مدت حمایت اکثر کشورها مشابه است، در صورت انتشار هم‌زمان اثر در چندین از این کشورها تعیین کشور

خاستگاه در بین آن‌ها باید با توجه به عوامل و عناصر واقعی، به عنوان نمونه تاریخ دقیق انتشار، اهمیت هر یک نسبت به دیگری و... صورت گیرد. (راهنمای معاهده برن، ۱۹۷۸ م.)

در صورتی که اثر به طور هم‌زمان در یک کشور عضو و یک کشور غیر عضو منتشر شود، کشور عضو کشور خاستگاه اثر خواهد بود. امری که با هدف معاهده، یعنی حمایت هر چه بیشتر و بهتر از آثار کاملاً منطقی می‌نماید. کشور خاستگاه اثری که انتشار نیافته و یا اگر برای نخستین مرتبه انتشار یافته، محل انتشار در یک کشور غیر عضو است، کشور متبوع مؤلف خواهد بود.

در بند ۴ بخش ج ماده ۵ صرفاً ملیت مؤلف ملاک قرار گرفته است و از سکونت معمولی مؤلف سخنی نرفته است، با وجود این، با توجه به بند ۲ ماده ۳ که محل سکونت معمولی را در حکم ملیت قرار داده است، در مورد آثار منتشر نشده در نبود تابعیت یکی از کشورهای عضو برای مؤلف، کشور عضو محل سکونت معمولی او، کشور خاستگاه خواهد بود (بخش ج بند ۴ ماده ۵).

بخش ج بند ۴ در خصوص آثار منتشر نشده به طور کلی معیار ملیت را اعلام نموده، سپس دو معیار فرعی، اول برای آثار سینمایی و دوم برای آثار هنری گرافیکی و تجسمی اعلام می‌نماید. در مورد آثار سینمایی، کشور عضو که مرکز اصلی یا محل سکونت معمولی تولیدکننده اثر سینمایی در آن واقع است کشور خاستگاه اعلام شده است. در مورد آثار معماری و هنرهای تجسمی و گرافیکی که جزئی از ساختمان واقع در کشوری از اتحادیه است، کشور مذکور کشور خاستگاه تعیین شده است.

با توجه به طبیعت آثار سینمایی که عمدتاً اثر مشترک می‌باشند و مؤلفان متعدد و از ملیت‌های گوناگون که در کشورهای متفاوت نیز سکونت دارند و کم‌تر

هم موضوع انتشار قرار می‌گیرند، لذا تعیین کشور خاستگاه بر اساس محل انتشار و یا ملیت مؤلفان موجب ایجاد وضعیت حقوقی مبهم شده و برعکس در نظر گرفتن تابعیت تولیدکننده مناسب و عملی‌تر است، همگان این معیار فرعی را بر معیارهای اصلی برتری می‌دهند. (راهنمای معاهده برن، ۱۹۷۸ م.) در هر حال برتری‌دادن این معیار بر معیارهای اصلی مانع از آن نیست که در صورت لزوم آن‌ها اعمال گردند. به همین ترتیب در آثار معماری و هنرهای گرافیکی و تجسمی برتری معیار فرعی اعلام شده و تجسمی بر معیارهای اصلی پذیرفته شده است (بخش ۲ از ج بند ۴ ماده ۵)، اما هیچ‌گاه مانع از اجرای آن‌ها در مواقع لزوم نخواهد بود.

همانطوری که ملاحظه شد، برای تعیین کشور خاستگاه وفق ضوابط معاهده‌ای قاعده کلی این است که در ابتدا محل انتشار ملاک قرار گیرد. در صورت عدم انتشار اثر در یکی از کشورهای عضو، ملاک تابعیت و محل سکونت معمولی مؤلف در نظر گرفته می‌شود. دادن برتری و اولویت به محل انتشار اثر نسبت به ملیت مؤلف در معاهده جنبه منطقی دارد، زیرا در راستای تأمین هر چه بیشتر حقوق مؤلف، خود وی بهتر و بیشتر از هر کسی در موقعیت تعیین و تشخیص بهتر نظام حقوقی و نیز تعیین محل نشر اثر قرار دارد. اگر به تشخیص نامبرده ناشر غیر محلی در وضعیت بهتری نسبت به ناشر محلی برای تحقق این اهداف است، منطقی است که قانونگذار نیز محل نشر اثر را بر ملیت و محل سکونت وی برتری دهد.

گذشته از این، در فرضی مثل اثر بی‌نام به اعتبار محل انتشار، اثر دارای کشور خاستگاه و مشمول حمایت می‌شود. در حالی که اگر چنین اثری از طریق فضای مجازی در اختیار عموم قرار گیرد در وضعیت موجود با توجه به این‌که اثر منتشر

شده تلقی نمی‌شود، بنابراین به دلیل مبهم‌بودن محل انتشار و ملیت مؤلف، اثر بدون حمایت باقی می‌ماند. اجرای ملاک دوم در مورد آثار منتشر نشده با مؤلفان متعدد و ملیت‌های گوناگون و به ویژه در مورد آثار گمنام فاقد کارایی و نارسا است. سکوت معاهده برن در ارائه راه حل در این موارد به ویژه با نشر الکترونیکی آثار بیش از پیش نمایان گشت که انتظار می‌رفت معاهده حق مؤلف روشنگری نماید که متأسفانه چنین نشد. بنابراین راهیابی نیازمند تلاش پژوهشگران است که در بخش بعدی مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

## ۲- کشور خاستگاه آثار عرضه‌شده در فضای مجازی برای نخستین بار

برای تعیین کشور خاستگاه اثر وفق قاعده کلی در وهله اول باید به محل انتشار اثر توجه کرد. در صورت تعیین این محل، کشور خاستگاه اثر کشور محل انتشار خواهد بود (بند ۴ ماده ۵ معاهده برن). بنابراین در مورد آثاری که برای نخستین بار از طریق اینترنت عرضه می‌شوند، درابتدا باید مشخص گردد که انتشار به مفهوم معاهده برن صورت گرفته یا خیر.

مطابق با بند ۳ ماده ۳ معاهده برن، «مقصود از آثار منتشرشده آثاری هستند که با رضایت پدیدآورندگان آنها، صرف نظر از نوع نشر با این هدف منتشر می‌شوند که قراردادن نسخه‌ها در اختیار جامعه نیازهای منطقی آن را با توجه به طبیعت اثر برطرف نماید. عرضه یک اثر نمایشی، نمایشی - موسیقایی یا سینمایی، اجرای یک اثر موسیقی، بازخوانی یک اثر ادبی در مقابل عموم، ارسال یا پخش رادیویی آثار ادبی یا هنری، به نمایش‌گذارن یک اثر هنری و ساخت یک اثر معماری انتشار محسوب نمی‌شود.»

با توجه به بند ۳ ماده ۳ معاهده برن انتشار اثر مستلزم وجود شرایط سه گانه است: - رضایت پدیدآورنده؛ - ساخت و توزیع نسخه‌های مادی؛ - به تعدادی که

موجب رفع نیاز منطقی جامعه بشود. (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۳ ش.) نبود هر یک از شرایط موجب تلقی اثر به عنوان اثر منتشر نشده است.

قراردادن اثر در اختیار عموم از طریق اینترنت موجب می‌شود که کاربران بتوانند نسخه‌های دیجیتالی از اثر دریافت کنند. آیا این نسخه‌ها تأمین‌کننده شرط دوم انتشار است یا این شرط صرفاً ناظر به نسخه‌های مادی و فیزیکی است. مؤلفان در مقام پاسخ اتفاق نظر ندارند. به نظر عده‌ای تفسیر گسترده بند ۳ ماده ۳ در اختیار عموم قراردادن نسخه‌ها صرف نظر از نوع نشر و شیوه گرفتن نسخه‌ها، انتشار اثر محسوب می‌شود، اما به نظر اکثریت مؤلفان نسخه‌های مورد نظر در بند ۳ ماده ۳ نسخه‌های مادی و فیزیکی است و نسخه‌های دیجیتالی را دربر نمی‌گیرد، (راهنمای معاهده برن، ۱۹۷۸ م.) اینان استدلال می‌کنند از مقایسه اولین و دومین جمله بند ۳ ماده ۳ با توجه به این‌که از قلمرو تعریف پخش کابلی و پخش رادیویی آثار خارج شده است، نسخه‌های مورد نظر معاهده نسخه‌های مادی از قبل موجود است. بنابراین در اختیار عموم قراردادن اثر از طریق اینترنت به عنوان آثار منتشرشده علاوه بر این‌که با متن عبارت معاهده ناسازگار است، با روح معاهده نیز در تضاد و غیر سازنده است، زیرا پذیرش این نظرموجب وجود تعدد کشور خاستگاه برای اثر شده و بدین ترتیب مؤلفان محروم از حقوق معاهده‌ای می‌گردند. (راهنمای معاهده برن، ۱۹۷۸ م.)

مذاکرات در کنفرانس دیپلماتیک ۱۹۹۶ به هنگام وضع مواد ۳ و ۸ معاهده حق مؤلف نیز حکایت از آن دارد که در اختیار عموم قراردادن اثر از طریق اینترنت که موجب می‌شود نسخه اثر در زمان دریافت جنبه مادی به خود بگیرد، در مفهوم بند ۳ ماده ۳ معاهده برن که ناظر به نسخه‌های مادی از قبل موجود است، انتشار محسوب نمی‌شود، هرچند تفاوت چندانی بین حالتی که نسخه‌های



مادی از قبل موجود در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرد و حالتی که نسخه‌های مادی پس از در اختیار عموم قرارگرفتن اثر و خرید اثر دریافت شود، وجود ندارد. (راهنمای معاهده برن، ۱۹۷۸ م.)

تفسیر گروه پژوهشی انجمن بین‌المللی ادبی و هنری از بند ۳ ماده ۳ نیز مؤید همین موضع می‌باشد، زیرا به نظر این گروه در این بند پیوند و رابطه بنیادین با کشوری خاص مد نظر می‌باشد که با انتشار اثر به مفهوم سنتی محقق می‌گردد، به عنوان مثال محل نخستین نشر با محل سکونت مؤلف همخوانی دارد و یا اگر ناشر خواه داخلی و یا خارجی در محل دیگری قرار دارد، مؤلف با علم آن را انتخاب می‌کند. انتخاب ناشر بر اساس یک سری عوامل از جمله شبکه توزیع، نوع فعالیت و مدت نشر صورت می‌گیرد. داشتن پیوندی نسبتاً محکم و منطقی با نظم اقتصادی و حقوقی یک کشور موجب می‌شود که گفته شود اثر دارای اصلیت فلان یا بهمان کشور است. بنابراین در این قلمرو حقوق ملی مؤلف و مقررات اقتصادی بر حقوق معاهده‌ای برتری دارد. درحالی که وجود این ارتباطات در فرض پخش اثر از طریق شبکه اینترنتی مبهم و چندان روشن نیست. (راهنمای معاهده برن، ۱۹۷۸ م.)

در نتیجه باید گفت از نگاه اکثر صاحب‌نظران اثر را از طریق شبکه اینترنت در خدمت عموم قراردادن به مفهوم بند ۳ ماده ۳ معاهده برن و شاید خوشبختانه، منتشرشده محسوب نمی‌شود، زیرا در این صورت آن‌گونه که برخی از دادگاه‌ها به ویژه در ایالات متحده اعلام داشته‌اند، (راهنمای معاهده برن، ۱۹۷۸ م.) چون هم‌زمان در کلیه کشورهای عضو قابلیت دسترسی دارد. بنابراین تمامی کشورهای عضو کشور خاستگاه تلقی شده و بدین ترتیب مؤلف از حمایت معاهده‌ای محروم می‌شود. هستند کسانی که کشور خاستگاه را در این موارد کشوری پیشنهاد کرده‌اند که

اثر در آن بارگذاری شده است و یا کشور محل سایت اینترنتی که محتوای اثر را در خود جای داده است.

پیشنهاد نخست دارای ایرادات متعدد است، اول این که محل بارگذاری اثر می‌تواند جنبه اتفاقی داشته و فاقد هر نوع پیوند منطقی با اثر و مؤلف، دوم در صورت وجود مؤلفان متعدد، بارگذاری اثر نیز می‌تواند در کشورهای متعدد صورت گیرد، بنابراین باز مواجه با تعدد کشور خاستگاه و نبود ارتباط منطقی بین این کشورها از یکسو و مؤلف و اثر از سوی دیگر خواهیم بود.

پیشنهاد بعدی نیز با توجه به امکان تغییر محل فعالیت شبکه‌های رایانه‌ای و بنابراین جنبه موقتی آن‌ها و نیز عدم وجود یک پیوند منطقی بین مؤلف و محل‌هایی که سرورهای سایت در آن قرار دارند. همچنین در بسیاری از موارد عدم امکان شناخت کشوری که سایت اینترنتی در آن قرار دارد، مورد تأیید قرار نگرفته است. سرانجام گروه پژوهشی اعلام می‌دارد که از نظر آن‌ها آثاری که فقط به روی حامل الکترونیکی در حافظه رایانه ذخیره می‌شوند، امری که در مورد آثار موسیقی تثبیت شده و همچنین آثار ادبی هنری و عکاسی و صوتی تصویری صورت می‌گیرد، هیچ گاه به مفهوم بند ۳ ماده ۳ منتشرشده محسوب نمی‌شود. (راهنمای معاهده برن، ۱۹۷۸ م.)

به نظر می‌آید پخش آثار بدون این که منتشرشده تلقی شوند، در سطح بین‌الملل در حال پذیرش است. دستورالعمل اتحادیه‌ای به تاریخ ۲۰۱۱ در مورد مدت حمایت حقوق مجاور تولیدکنندگان فنوگرام آن را تجویز می‌کند (بند ۲ ماده ۱). نتیجه‌گیری از این بحث به ویژه با توجه به گزارش گروه پژوهشی انجمن بین‌المللی ادبی هنری این است، اثری که در فضای مجازی پخش می‌شود، منتشرشده محسوب نمی‌شود، اما با عنایت به این که اثر با رضایت مؤلف در اختیار عموم قرار

گرفته است، به موجب بند ۱ ماده ۱۰ برن افشا شده و مشمول استثنای حقوق مؤلف قرار می‌گیرد.

وقتی که اثر از طریق اینترنت در اختیار عموم قرار گرفت، منتشر شده محسوب نمی‌شود، در این صورت ضابطه تشخیص کشور خاستگاه، برابر بخش ج بند ۴ ماده ۵ معاهده برن، ملیت مؤلف و یا محل سکونت معمولی در زمان خلق اثر خواهد بود. این معیار ضابطه‌ای کارا برای آثار ساده (اثر با مؤلف واحد) است، اما با افزایش تعداد مؤلفان به ویژه در فضای مجازی که مناسب برای همکاری‌های بین‌المللی است، تعداد کشورهای خاستگاه نیز افزایش می‌یابد و به همان نسبت نیز حمایت معاهده‌ای کاهش می‌یابد. معاهدات برن و حق مؤلف در مورد کشور خاستگاه آثار مشترک ساکت‌اند. با وجود این، اظهار نظر شده است که در صورت وجود چند کشور خاستگاه با استناد به قسمت اخیر بخش الف بند ۴ ماده ۵ کشوری که در بین کشورها دارای مدت حمایت کم‌تر است، کشور خاستگاه تلقی شود. این راه حل مواجهه با این ایراد است که امروزه اکثر قریب به اتفاق کشورها از جهت مدت حمایت در وضعیت مشابه می‌باشند. بنابراین راه حل دارای کارایی محدود است، همچنین عنوان شده در صورت وجود مؤلفان متعدد کلیه کشورهای متبوع مؤلفان به عنوان کشور خاستگاه تعیین شوند، بدین معنا که اثر در هر یک از این کشورها فقط در رابطه با مؤلف محلی مشمول حقوق ملی گردد و در رابطه با سایر مؤلفان مشمول حقوق معاهده‌ای (بند ۱ ماده ۵). به عبارتی دیگر، در حالت کلی کشور خاستگاه شامل چندین کشور به تعداد ملیت مؤلفان، اما در لحظه اجرا صرفاً کشور متبوع مؤلف محلی منظور گردد، یعنی کشور خاستگاه حسب ضابطه‌ای سیال که حسب تقاضای هر یک از مؤلفان با تابعیت‌های متفاوت از کشوری به کشور دیگر متفاوت خواهد بود.

ایراد این راهکار این است که وجود کشور خاستگاه را از قطعیت خارج نموده و به آن جنبه سیالیت می‌دهد که حسب تقاضای موردی هر یک از مؤلفان از کشوری به کشور دیگر متفاوت خواهد بود. شاید معقول‌ترین راهکار توافق مؤلفان بر کشور واحد از بین کشورهای متبوع مؤلفان به عنوان کشور خاستگاه باشد. این راهکار به ویژه در خصوص تعیین کشور خاستگاه آثار با نام و با مؤلفان متعدد از کشورهای گوناگون که از طریق شبکه اینترنتی در اختیار عموم قرار می‌گیرد، می‌تواند کارساز باشد و نه در مورد آثار بی‌نام (گمنام). گفتنی است یکی از اقسام حقوق معنوی مؤلف نشر اثر بدون نام است که در این حالت اثر را بی‌نام می‌نامند. (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۰ ش.) در صورت انتشار اثر بی‌نام به مفهوم بند ۳ ماده ۳ برن، وفق بند ۳ ماده ۱۵ همین معاهده ناشر نماینده مؤلف می‌باشد. در این صورت کشور متبوع ناشر می‌تواند به عنوان کشور خاستگاه اثر تعیین گردد، اما اگر اثر بی‌نام در فضای مجازی در اختیار عموم قرار گیرد، هرچند اثر به مفهوم بند ۳ ماده ۳ برن منتشر شده محسوب نمی‌شود، اما وفق بند ۳ ماده ۱۵ شخص حقیقی و یا حقوقی که با جمع آوری، ترکیب‌بندی و نشر الکترونیکی، اثر را در اختیار عموم قرار می‌دهد، نظیر وی کی<sup>۶</sup>، می‌توان این شخص را نماینده مؤلف یا مؤلفان تلقی کرد. بدین ترتیب کشوری که مرکز اصلی یا محل سکونت معمولی ناشر الکترونیکی در آنجا واقع است، کشور خاستگاه اثر بی‌نام تلقی گردد. نبود راه حل صریح در مورد تعیین کشور خاستگاه اثر در صورت تعدد مؤلفان، آثار گمنام و آثاری که در فضای مجازی در اختیار عموم قرار داده می‌شود را نباید همچون مانع و سدی در مسیر حمایت از مؤلفان تلقی کرد، بلکه باید به آن همچون موقعیتی مناسب برای پژوهشگران در نظر گرفت تا با پیشنهادات سازنده و پیشرو خود با توجه به روح معاهده در جهت حمایت هر چه بیشتر مؤلفان گام بردارند.

### نتیجه‌گیری

معاهده برن به عنوان معاهده مادر در رشته حقوق مالکیت فکری با گذشت زمان و تحول در فناوری دچار برخی نارسایی‌ها است. بیشتر این موارد توسط معاهده حق مؤلف سروسامان یافته است. از جمله شناسایی پایگاه داده و نرم‌افزارهای رایانه‌ای به عنوان اثر ادبی هنری، همچنین قائل شدن حق برخورداری مالی انحصاری اجاره برای مؤلفان در خصوص نرم‌افزارهای رایانه‌ای، آثار سینمایی و آثار وارد شده در فنوگرام در مورد نسخه اصل آثار یا کپی آن (ماده ۷) و حق در اختیار عموم قراردادن آثار در حالت کلی از جمله از طریق شبکه مجازی (ماده ۸)، حق توزیع (ماده ۶) و تعهد کشورهای متعاقد به وضع مقررات مربوط به مدیریت اطلاعات و اتخاذ تدابیر لازم برای تأمین اجرای معاهده و جلوگیری از هر نوع نقض حقوق مؤلف (مواد ۱۲ و ۱۴).

از جمله ایرادات معاهده عدم ارائه تعریفی مشخص از حق در اختیار عموم قرار دادن اثر و به ویژه ایراد بزرگ سرگردانی در خصوص انتشار به مفهوم بند ۳ ماده ۳ معاهده برن در مورد آثاری است که از طریق شبکه مجازی در اختیار عموم قرار می‌گیرد. همچنین عدم ارائه راهکاری مشخص در خصوص تعیین کشور خاستگاه آثار مشترک و آثار بی‌نام منتشر نشده است که استفاده بیش از پیش از فضای مجازی در عرضه این نوع آثار موجب نمایان ترساختن این مشکل شده است. با دقت نظر در بررسی صورت گرفته باید آموخت که تعیین کشور خاستگاه در حمایت از مؤلفان آثار نه تنها جنبه محوری، بلکه جنبه حیاتی دارد. اثر، بدون کشور خاستگاه همچون شخص بدون ملیت و بدون هویت است که از آن به هر وسیله ممکن باید جلوگیری نمود. تعدد و سیالیت کشور خاستگاه نیز موجب تضعیف و در مواردی لوٹ شدن حمایت می‌گردد، پس، از قائل شدن تعدد و دادن

تزلزل به آن نیز باید پرهیز کرد. بنابراین با اتکا به ماده ۵ و بند ۳ ماده ۳ و بند ۳ ماده ۱۵ معاهده برن و روح این معاهده و معاهده حق مؤلف می‌توان گفت در خدمت عموم قراردادن اثر از طریق فضای مجازی، اثر «منتشرشده» محسوب نمی‌شود. در نتیجه تعیین کشور خاستگاه این نوع آثار با توجه به ملیت و محل سکونت معمولی مؤلفان باید تعیین گردد. در صورت تعدد مؤلفان با ملیت‌های گوناگون کشور خاستگاه اثر با توافق مؤلفان و در غیر این صورت کشوری که مرکز اصلی ناشر اعم از سنتی و یا الکترونیکی که در آن قرار دارد تعیین می‌شود. همین راهکار در مورد آثار بی‌نام نیز می‌تواند اعمال گردد.

آثار بی‌نام انتشاری در فضای مجازی که ناشر آن غیر قابل تعیین و غیر قابل انتساب به کشوری خاص است، فاقد کشور خاستگاه و حمایت‌اند. بی‌گمان قصد و انگیزه اصلی مؤلفان این نوع آثار از پخش آن در فضای مجازی آن هم بدون نام و نشان حکایت از انصراف از حقوق مؤلف و هدیه به جامعه جهانی به صورت استفاده رایگان توسط همگان دارد.

سخن آخر این که معاهده حق مؤلف مکمل معاهده برن است. این معاهدات که به عنوان دستاوردی مهم حاصل تلاش بی‌وقفه چندین دهه نخبگان عرصه علم و ادب است، گذشته از پیام سیاسی خود در سطح جهانی که حکایت از حمایت از فکر و اندیشه خلاق و محکومیت تقلب و تزویر دارد، وسیله‌ای است متضمن فراهم کردن بستری بیش از پیش مناسب در پرورش و بروز افکار خلاق و سازنده در سطح ملی. تصویب و اجرای آن موجب تقویت بیشتر اخلاق و تشویق صاحبان اندیشه‌های نو و سازنده که به تحرک هر چه بیشتر تولید علم در بلندمدت خواهد انجامید.

## پی‌نوشت‌ها

۱. WCT: WIPO Copyright Treaty: از این معاهده از این پس با عنوان اختصاری معاهده حق مؤلف یاد می‌شود.
۲. اظهار نظر خلاف نیز عنوان شده است که درست به نظر نمی‌رسد. (ر.ک.: صفایی، سیدحسین. (۱۳۸۵ ش.). مطالعه تطبیقی حقوق معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی هنری و دارندگان حقوق مرتبط. فصلنامه مدرس علوم انسانی. دوره اول، شماره سوم.
۳. برخلاف معاهده حق مؤلف که صراحتاً حق اجاره را برای مؤلفان در فنوگرام‌ها به رسمیت شناخته، موافق‌نامه تجاری حقوق مالکیت فکری آن را به اختیار کشورهای عضو قرار داده است. (لوکا، ۲۰۰۱ م، ص ۹۶۱)
۴. به نظر مؤلفان کلمات اینترنت، فضای سایبری، مجازی و یا رقومی (دیجیتال) با قدری مسامحه مفهوم واحدی را تعبیر می‌کند. (صادقی نشاط، امیر. (۱۳۹۱ ش.). حاکمان و مقررات حاکم بر اینترنت. فصلنامه حقوق. دوره چهل و یکم، شماره اول، ص ۲۸۰؛ قاجار قیونلو، سیامک. (۱۳۹۱ ش.). مقدمه حقوق سایبر. تهران: نشر میزان، ص ۱۳۲)
۵. طبق تفسیر سازمان جهانی مالکیت از بند ۳ ماده ۵ معاهده برن، این مقرر صلاحیت قانون ملی را در موارد تعیین گستره حمایت در کشور خاستگاه اثر اعلام می‌دارد، اما مورد خاصی را نیز مطرح می‌کند که مطابق قانون کشور محل نخستین انتشار تبعیض روا شده باشد حسب این که اتباع آن کشور اثر را برای نخستین بار در همان کشور منتشر کرده باشند یا کشوری دیگر و فقط در صورت اول مؤلف را مشمول حمایت قرار دهند. چنین تفکیکی در مقابل خارجی (که تابعیت کشور خاستگاه اثر را ندارد) و در آن اثرش را منتشر کرده، قابلیت استناد ندارد (بخش ب بند ۱ ماده ۳ آثار مورد حمایت معاهده)، قانون ملی در مورد وی همچون تبعه ملی اعمال خواهد شد. با وجود این که اگر تبعه ملی اقدام به انتشار اثر در خارج می‌کرد، نمی‌توانست بهره‌مند از قانون ملی شود. (راهنمای معاهده برن، ۱۹۷۸ م.)

## 6. Wiki

## فهرست منابع

## الف - فارسی:

دو لامبرتوری، ایزابل. کرنو، ماری. سرنلی، پیر. والر، کاترین. (۱۳۹۰ ش.). فرهنگ تطبیقی حقوق مؤلف و کپی‌رایت. مترجم علیرضا محمدزاده وادقانی و پژمان محمدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، صص ۲۰، ۱۲۷

صادقی نشاط، امیر. (۱۳۹۰ ش.). حاکمان و مقررات حاکم بر اینترنت. فصلنامه حقوق. دوره چهل و یکم، شماره اول، صص ۸۶، ۸۸.

صفایی، سیدحسین. صادقی، محسن. محسنی، حسن. (۱۳۸۵ ش.). مطالعه تطبیقی حقوق معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی هنری و دارندگان حقوق مرتبط. فصلنامه مدرس علوم انسانی. دوره دهم، شماره سوم، صص ۸۶.

صادقی، محسن. (۱۳۸۶ ش.). طرح حمایت از حقوق مالکیت فکری در محیط اینترنتی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، صص ۲۸۸.

صفایی، سیدحسین. حبیبیا، سعید. صادقی، محسن. محسنی، حسن. (۱۳۸۳ ش.). بررسی تطبیقی کنوانسیون‌های برن، رم و موافقت‌نامه تریپس درباره مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط و تأثیرات پیوستن به آن‌ها بر فعالیت سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی. طرح تحقیقاتی، مؤسسه حقوق تطبیقی، صص ۸۳، ۹۸.

قاجار فیونلو، سیامک. (۱۳۹۱ ش.). مقدمه حقوق سایبر. تهران: نشر میزان، صص ۴۳۰-۴۲۹، ۴۳۴.

کلمبه، کلود. (۱۳۹۰ ش.). اصول بنیادین حقوق مؤلف و مجاور در جهان. مترجم علیرضا محمدزاده وادقانی، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، صص ۲۴۷.

محمدزاده وادقانی، علیرضا. (۱۳۹۳ ش.). حقوق بین‌الملل مؤلف و حقوق مجاور. تهران: نشر میزان، صص ۳۴.

محمدزاده وادقانی، علیرضا. محمدی قرقی، محمدرضا. (۱۳۹۳ ش.). معاهده حق مؤلف سازمان جهانی مالکیت فکری مصوب ۱۹۹۶. فصلنامه حقوق. دوره چهل و چهارم، شماره اول، صص ۲۵۰.

## ب - فرانسوی:

Bernault, C. Clavier, JP. (2015). Dictionnaire de Droit de la Propriete Intellectuelle. 2 edited, Paris: Ellipses, 44, 179,297



- Caron, CH. (2015). Droit D'auteur et Droits Voisins. 4th edited, Paris: Lexisnexis, 300-203.
- Determination du Pays D'origine Lorsqu'une Œuvre est Divoulguee Publiquement Pour la Premiere Fois sur Internet, Rapport du Groupe D'etude sur le Pays D'origine de L'association Litteraire et Artistique Internationale (alai), r.i.d.a, No.232. (2012).
- Gautier PY. (1991). Propriete Litteraire et Artistique. 2th edited, Paris: Puf, 116.
- Lucas AHJ. (2001). Traite Dela Propriete Litteraire et Artistique. 2th edited, Paris: Litec, 270, 936.
- Marino, L. (2013). Droit de la Propriete Intellectuelle. Paris: Puf, 40.
- OMPI, (1978). Droit D'auteur, Guide de la Convention de Berne. Geneve: WIPO, 10, 12, 36, 40.
- Vivant, M. Bruguere, JM. (2009). Droit D'auteur. Paris: Dalloz, 657.

#### یادداشت شناسه مؤلف

علیرضا محمدزاده وادقانی: دانشیار، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی،

دانشگاه تهران، تهران، ایران.

پست الکترونیک: mohamadz@ut.ac.ir

**La Problematique du Traite de l'OMPI sur le Droit D'auteur***Alireza MohammadZadeh Vadaghani***Abstract**

Le traite de l'OMPI sur le droit d'auteur de 1996 est venu completer et mettre à jour la convention de Berne. Il a, dans une large mesure, reussie d'atteindre ses objectifs surtout pour; l'adoption des compilations de donnees sous quelque forme que ce soit, et de logiciel comme creations intellectuelles; la precision du droit de location pour les auteurs de programmes d'ordinateur, d'œuvres cinematographiques et d'œuvres incorpores dans des phonogrammes. De meme que le droit de distribution et le droit de communication au public pour les auteurs d'œuvres littteraires et artistiques, y compris la mise a la disposition du public de leurs œuvres de manière que chacun puisse y avoir acces de l'endroit et au moment qu'il choisit de manière individualisee.

Pourtant, il souffre à certains egards, en premier lieu la manque de definition du droit de communication au public et de droit de distribution. Ensuite, la non determination du pays d'origine des œuvres de collaborations en general, et celui des œuvres anonymes publiees dans le cyber espace en particulier.

**Les mots cles**

Le Traite De L'ompi, La Convention De Berne, Droit De Communication Au Public, Droit De Distribution, Droit De Location, Base De Donnees, Logiciel, Œuvre Anonyme, Cyber Espace